

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

بررسی تطبیقی سیمای موعود در آیین زرتشت و مهدی موعود علیه السلام

رضا یوسف‌وند^۱

رضا کرمی^۲

چکیده

اعتقاد و باور به موعود و ظهور منجی یکی از با اهمیت‌ترین مسائلی است که نزد ادیان مختلف از دیرباز مطرح بوده و در حال حاضر نیز پویاست و اذهان را به سوی خود جلب نموده است. در این مقاله سیمای موعود در آیین زرتشت و سیمای مهدی موعود علیه السلام به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با وجود تشابهات و نقاط مشترک بین موعودهای زرتشت و مهدی موعود علیه السلام می‌توان اثبات نمود که ردپای سیمای منجیان زرتشت را بایستی در اساطیر و افسانه‌های ایران باستان جستجو نمود. در صورتی که سیمای مهدی موعود علیه السلام در قرآن کریم، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام قابل رویت است، به گونه‌ای که خبر از آمدن منجی و موعود آخرالزمان به وضوح دیده می‌شود. هدف این مقاله با توجه به بررسی تطبیقی، این نیست که کدام آئین بردگیری تأثیر گذاشته و یا این که از دیگری متأثر بوده است، بلکه هدف اصلی معرفی و شناخت موعود واقعی بر اساس مستندات معتبر نیز ریشه‌یابی موعودباوری و موعودگرایی در آیین زرتشت و دین اسلام است. سؤال اصلی تحقیق بر این امر استوار است که سیمای کدام موعود متأثر از اوضاع اجتماعی فرهنگی

۱. استادیار دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) (yousofvand@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه پیام نور تهران.

آن دوره بوده و با افسانه و اساطیر درآمیخته است و موعود واقعی را با چه روش و یا روش‌هایی باید شناخت که هم مقبولیت عمومی داشته باشد و هم استدلال آن بر مبنای منابع و مستندات محکم استوار باشد. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی و از نوع نظری است، به این شیوه که از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده شده و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای استوار است.

واژگان کلیدی

آیین زرتشت، اسطوره، سوشیانت، موعودباوری، سیمای موعود، مهدی موعود ﷺ.

مقدمه

نجات بخشی از مهم‌ترین دغدغه‌های عمومی بشر به خصوص بشر امروزی است که از رنج و سختی‌های زندگی و بی‌عدالتی‌ها به ستوه آمده و راه نجات را جستجو می‌کند. دین زرتشتی در جایگاه کهن‌ترین دین آسیا تأثیرات کلانی را بر دین‌های پس از خود برجای گذاشته است. نمونه چنین تأثیری، اندیشه معاد و رستاخیز است. موعودباوری نیز به موازات اصل رستاخیز و معاد، حضوری کلان در آموزه‌های مزدایی دارد. عقیده و باور به ظهور موعود مختص به دین و یا ملت و نژاد خاصی نیست، هریک از ادیان جهان به نوعی بدان باور داشته و برای رهایی جهان از ظلم و ستم منتظر موعود خود هستند. موعودهای سه‌گانه زرتشت هنگامی ظهور می‌کنند که جهان از بدی به ستوه آمده باشد و می‌توان گفت که آخر زمان و پیشاظهار، زمان فاجعه و مخاطره است. منجی برای پایان دادن به فاجعه و مخاطره و ظلم و بیداد و اجرای عدالت ظهور خواهد نمود. ظهور منجیان زرتشت در آغاز هزاره‌های پایانی عمر جهان با زمینه‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی خاص آن دوران پیوند مستقیم دارد و ردپای منجیان زرتشت را در افسانه‌ها و اساطیر نیز می‌توان جستجو نمود. زرتشت، اندیشه موعود آخرالزمان را در محیطی عرضه نمود که در آن محیط هیچ‌گونه ذهنیت پررنگی در این باره وجود نداشت. اما دین اسلام در فضایی این نظریه را مطرح کرد که به واسطه وجود پیروان سایر ادیان الهی، تا حدودی دورنمای فهم و پذیرش آن موجود بود و چه بسا همین امر اسباب حسن توجه غیر مسلمانان به این آیین را فراهم آورد. چرا که اخبار متواتر اسلامی در ادوار بعد، نه تنها منجیان آخرالزمان را تأیید و تصدیق کرد، بلکه اصولاً بر لزوم روش مند کردن این نظریه

۱۳۹۶

سال چهارم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

انگشت تأیید نهاد. به اعتقاد دین اسلام قبل از رستاخیز و برپایی قیامت جهان شاهد ظهور نجات بخشی خواهد بود که با سامان بخشیدن به مشکلات، روزگاری همراه با آسایش و آرامش را به ارمغان خواهد آورد. وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، غبار از چهره دین برمی گیرد. همگی گمان می کنند که این دین جدیدی است که آن حضرت ارائه می فرماید. قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، مانند بسیاری از زمینه های دیگر بدون این که وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعنی از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروی کامل و نهایی صالحان در روی زمین سخن گفته است.^۱ یکی از اهداف نظام تکوینی آفرینش، رسیدن به کمال و قرب پروردگار است. رسیدن به کمال در تمام زمینه ها فطرتاً نهادینه شده است و این کمال محقق نمی شود مگر در سایه حکومت عدل توحیدی که توسط صاحب الزمان علیه السلام برقرار خواهد شد موضوع این مقاله از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که مهم ترین امری که در حال حاضر باید به آن پرداخته شود بحث منجی گرایی و موعودباوری است. در این نوشتار سیمای موعود زرتشت و همچنین سیمای مهدی موعود علیه السلام و سایر تشابهات و اختلافات موعود در آیین زرتشت و دین اسلام (شیعه اثنی عشری) مورد بررسی قرار گرفته است. در دین اسلام سیمای موعود و منجی به روشنی در آیات و احادیث و روایات اسلامی مطرح شده لکن در آیین زرتشت سیمای موعود با افسانه آمیخته شده است. هدف این مقاله تبیین اشتراک خاستگاه بشری در اندیشه موعودباوری و تمایز آن با داده الهی انبیاء و خاتم الانبیاء است.

عمر جهان و موعودهای زرتشت

در جهان بینی زرتشتی عمر جهان، آغاز و انجام آفرینش در زمانی محدود به دوازده هزار سال صورت می پذیرد که خود به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می شود. دوره اول (سه هزار سال اول) دوره آفرینش مینویی است، یعنی امشاسپندان، ایزدان و فره رها آفریده می شوند. در دوره دوم (سه هزار سال دوم)، آفرینش مینویی صورت مادی به خود می گیرد اما حرکت و جنبش در این آفریده ها وجود ندارد. دوره سوم (سه هزار سال سوم) که با هفتمین هزاره از آغاز آفرینش شروع می شود، دوره آمیختگی خوبی و بدی، روشنی و

۱. «وَرِيدُ أَنْ تَمُوتَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

تاریکی و به طور کلی آمیزش اراده اورمزد^۱ و اهریمن^۲ است. اهریمن در این دوره به همراهی همه دیوان از جای برمی خیزد تا به جهان حمله کند (آموزگار، ۱۳۸۴: ۴۶). آخرین دوره (سه هزار سال چهارم) با ظهور زرتشت شروع می شود. این هزاره دهمین هزاره از آغاز آفرینش و چهارمین هزاره از آغاز آفرینش مادی متحرک یا هفتمین هزاره پس از آفرینش غیر متحرک است. پس از زرتشت، سه پسر آینده او که موعودهای نجات بخش در آیین مزدیسنا هستند به ترتیب و با فاصله هزار سال ظهور می کنند. ایشان می آیند تا ادامه دهند راه زرتشت، زداینده پیرایه ها از دین او و پالاینده جهان از فساد و تباهی و سرانجام منجیان مردمان و برپاکننده رستاخیز مردگان باشند. در روایت ها آمده است که زرتشت سه بار با همسر خود، هووی نزدیکی می کند و هووی هر بار خود را در آب کیسانیه (هامون) می شوید و نطفه های زرتشت از طریق هووی وارد این آب می شوند، ایزد نریوسنگ آن نطفه ها را در اختیار می گیرد و برای نگهداری به ایزد بانو اردوی سوره آناهیتا می سپارد تا در زمان مناسب با نطفه مادران فرزندان موعود بیامیزد. پس از زرتشت و طی یک دوره متوالی موعودهای نجات بخش او که بانام عمومی «سوشیانت یا سوشیانت» خوانده می شوند، به ترتیب هوشیدر در آغاز هزاره یازدهم، هوشیدر ماه در آغاز هزاره دوازدهم و سوشیانت در پایان هزاره دوازدهم ظهور می کنند (تفضلی، ۱۳۵۴: ۹۵). سوشیانت همانند خورشید نورانی است که فره کیانی با اوست. با ظهور او دین مزد یسنی کمال می پذیرد و استوار می ماند و سوشیانت نیز همچون دو موعود دیگر، در سی سالگی به دیدار هرمزد و امشاسپندان می شتابد و با آنان گفت و گو می کند. به نشانه این دیدار، خورشید به مدت سی شبانه روز در میانه آسمان می ایستد، درست به همان گونه که در آغاز آفرینش بود و مردمان می فهمند که بار دیگر با حادثه شگفت انگیزی روبرو خواهند شد و مردمان بدانند که دگر باره شگفتی پدیدار شده است (بهار، ۱۳۶۹: ۴۲). سوشیانت برگزیده ای همانند زرتشت است او هر آن چه با زرتشت آغاز شده، مأمور به انجام رسانیدن آن است. در طول هزاره وی کلیه کارها بر مبنای گاهان جریان می یابد. او سودمند است و تن کردار، یعنی همه جهان مادی را سود می بخشد و همه مردمان را بی رنجی (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۷). پس از آن هیچ انسان زنده ای نمی میرد. همه مردمان دین بهی را برمی گزینند

1. Urmozd

۲. اهریمن به عنوان نمود شر، زاده تفکرایرانی و دین زرتشتی است. (بهار، ۱۳۷۵: ۳۹)

و با یکدیگر به دوستی و مهربانی رفتار می‌کنند و از این طریق راه شهریاری خدا را بر زمین هموار می‌شود (هیلنز، ۱۳۸۳: ۳۸). پیش از برانگیختن مردگان، سوشیانت سپاهی برمی‌انگیزد و به کارزار با دیوبدعت می‌رود. بدکاران را عقوبت می‌کند و نیایش به جای می‌آورد که همه دیوان نابود شوند. دیو خشم و دیوان دیگر را می‌بلعد و بعد ایزد سروش دیو آز را نابود می‌کند. این دوره تکامل موجودات اورمزدی است. همه دیوان از نسل دو پایان و چهار پایان نابود می‌شوند، بیماری، مرگ، آزار، ستم از میان می‌رود. گیاهان همه سرسبزند و آفریدگان در خوشی به سر می‌برند. سوشیانت وظیفه برانگیختن مردگان را دارد، رسالت سوشیانت‌ها «نوکردن جهان» است (نجف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۹). هرکدام از این مردگان در طی زمان و پس از گذراندن داوری انجامین در حضور مهر خدای پیمان و سروش و ارشن، که ایزد عدالت ایران باستان است (آموزگار، ۱۳۸۴: ۲۹) از پل چینوت می‌گذرند. چینوت پلی است حدفاصل این جهان و آن جهان که بر بالای قله دائیتی جای دارد و یک بازوی آن در بن البرز در شمال و بازوی دیگر آن در سرالبرز در جنوب قرار دارد، ارواح پس از مرگ در سفر خود به جانب بهشت یا دوزخ باید از این پل بگذرند (هیلنز، ۱۳۸۳: ۶۵). این پل برای نیکوکاران فرسنگ‌ها پهن و برای گناهکاران همچون لبه تیغ است. نیکوکاران را ایزد دین به هیئت زیبارویی خوشبو می‌پذیرد و آن‌ها در منازل بهشت قرار می‌گیرند و بدکاران که آنان را عفریته‌ای پذیرا می‌شود، در چهار طبقه دوزخ که آخرین طبقه آن محل تاریکی‌های بی‌پایان است جای می‌گیرند. در پاسخ این که بدنه‌ای از میان رفته چگونه شکل نخستین خود را بازخواهند یافت، در متون زرتشتی چنین آمده است که چون مردگان درمی‌گذرند، استخوان و رگ و پی آن‌ها به زمین، خون به آب‌ها و موی به درخت سپرده می‌شود، و امشاسپندان حافظ و نگهدار آن‌ها هستند. (آموزگار، ۱۳۸۴: ۸۷)

اوضاع گیتی زمینه‌ساز ظهور منجیان زرتشت

در آن دنیای وانفسا، دین و دین‌داری و روحانیون مذهبی که نگه‌دارندگان قوانین دینی محسوب می‌شوند و داعیه‌دار صیانت از آداب و رسوم و آیین‌های مذهبی هستند، آن چنان به فساد و تباهی کشانیده می‌شوند که دین‌داران و روحانیون در مناطق، گناهکارترین مردم‌اند، به طوری که از پنج گناه سه گناه را ایشان مرتکب می‌شوند، آنان

بدون هیچ دغدغه‌ای از انجام وظایف دینی خویش سرباز می‌زنند و بیمی از دوزخ ندارند. در حق هم بدگویی می‌کنند و یکدیگر را به سخره می‌گیرند و به همین دلیل، مردم نیز به قول و فعل‌شان بی‌اعتمادند و گفتار و فتاوی‌ای دروغ‌زنان را به جای ایشان ارج می‌نهند (راشد محصل، ۱۳۷۰: ۴۰). در آن هنگامه از هر هزار یا ده هزار تن، تنها یک نفر به دین‌گرود، روسپی‌گری، غلام‌بارگی، دروغ و مرگ همه جهان را فراگیرد. از متون مقدس زرتشتی چنین برمی‌آید که موعودها آنگاه ظهور خواهند کرد و به داد مردم و یاری آن‌ها خواهند شتافت که جهان گرفتار ستم و کین اهریمنی شود و بدان برنیکان چیره شوند، دادگستری دستخوش ناپاکان شود و از دین جزنامی و پیکری بی‌جان باقی نمانده باشد، چنانکه جوانمردی و منش نیک هم از جهان روی برتافته باشد (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۳۸). نخستین منجی زرتشت اوشیدر و یا هوشیدر است وی سی سال به پایان سده دهم از هزاره چهارم، یعنی هزاره زرتشت، از طریق دوشیزه‌ای پانزده ساله موسوم به «نامیگ پد» که در آب کیسانیه می‌نشیند و از آن می‌خورد، نطفه زرتشت وارد بدن او می‌شود و وی، اوشیدر را به دنیا می‌آورد. چون اوشیدر به سی سالگی می‌رسد، خورشید ده شبانه‌روز در اوج آسمان در همان جایی که در آغاز آفرینش آفریده شده بود می‌ایستد و غروب نمی‌کند تا همه بدانند که کاری نو خواهد بود. اوشیدر به مقام گفتگو با اورمزد می‌رسد و به برکت این کار سه سال برای گیاهان بهار مداوم خواهد بود. انواع گرگ‌ها در یکجا گرد می‌شوند و همه به صورت گرگ واحدی درمی‌آیند. بهدینان (پیروان آیین زرتشتی) به مقابله او می‌روند و او را نابود می‌کنند. از رویدادهای مهم این دوره آمدن دیو ملکوس یا مرکوس است. این دیو در پایان هزاره اوشیدر، سرما و بارانی سخت ایجاد می‌کند، سرمای سخت بیشتر مردم را نابود می‌کند ولی سرانجام با نیایش‌های بهدینان ملکوس نابود می‌شود و نسل مردم فزونی می‌یابد (آموزگار، ۱۳۸۴: ۸۵). سی سال مانده به پایان هزاره اوشیدر، دوشیزه بهدینی به نام هره پد (کسی که پدر خوب دارد) که نسبش به زرتشت می‌رسد در آب کیسانیه آب تنی می‌کند و از آن می‌خورد و نطفه زرتشت وارد بدن او می‌شود از این دوشیزه پانزده ساله اوشیدر ماه به دنیا می‌آید که دومین موعود زرتشت است. در این هنگام خورشید به مدت سی شبانه‌روز در آسمان می‌ایستد تا بهدینان بدانند که هزاره اوشیدر به پایان رسیده و آغاز هزاره اوشیدر ماه است. به برکت گفتگوی اوشیدر ماه با اورمزد شش سال برای گیاهان بهار خواهد بود. در این هزاره کسی نمی‌میرد مگر این که او

را با سلاح نابود کنند یا از پیروی بمیرد. ضحاک از بند فریدون رها می شود و فرمانروایی خود را بر مردمان و دیوان از سر می گیرد. سرانجام در پایان آخرین هزاره بزرگترین منجی و موعود یا سوشیانت یعنی «استوت ارته» ظهور خواهد نمود (بویس، ۱۳۸۱: ۱۰۳). لفظ سوشیانس به طور خاص متعلق به نفر سوم یعنی «استوت ارته» بوده و گاهی به صورت عام در مورد هر سه نفر ایشان استفاده می شود (پورداوود، ۱۳۷۴: ۷). آن جا که پای انتظارات آینده زرتشتیان به میان می آید، آن ها تنها چشم به راه آمدن یک سوشیانت هستند و می پندارند یاور اصلی اوایزد بهرام، خداوند پیروزی است (بویس، ۱۳۷۶: ۳۹۷). این سه موعود به عنوان سه نقطه عطف دین زرتشتی محسوب می شوند. آن ها بر طبق خیر و نیکی رفتار کرده و در عمل آن را تعلیم می دهند، ایشان حق نماز و تحیات به آستان اهورامزدا به جای می آورند و بر ضد اهریمن قیام نموده او را در هم می شکنند و مردم را به راه راست آورند و دین را می گسترانند (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۳۲). در نگاهی دیگر اندیشه منجی زرتشتی همانند موعود اسلامی، هندوئی و مسیحی اندیشه ای جهان شمول است. و نه قوم مدار، همچنین منجی زرتشتی را موعودی نسبتاً شخصی می یابیم لیکن او از الوهیت بهره مند نیست بلکه صرفاً بشری اسطوره ای از نسل زرتشت است که در آخرین هزاره از عمر عالم ظهور می کند، پس موعود باوری ایشان را باید در زمره اندیشه های موعودی هزاره گرا انگاشت. (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۵۹)

مکان ظهور سوشیانت

در فرگرد ۱۹ وندیداد آمده است: زرتشت به اهریمن پاسخ داد «ای اهریمن تباهاکار! من آفرینش دیوان را فرو می گویم». من «پری خنثیتی» دیو آفریده را فرو می گویم. تا بدان هنگام که سوشیانت پیروز و دیوافکن از دریای «کیسانیه»، از سرزمین نیمروز، پا به پهنه زندگی بگذارد. اهریمن نیرنگ باز، آفریدگار جهان بدی، دگر باره بدو گفت: ای زرتشت اشون! آفریدگان مرا نابود مکن. تو پسر پور و شسبی و از مادر خویش زاده شده ای. از دین نیک مزدا پرستان روی برتاب تا از آن کام روایی که آن کشنده مردمان - فرمان روای جهان - از آن برخوردار بود، بهره مند شوی. سپیتمان زرتشت در پاسخ به اهریمن چنین گفت: نه! من هرگز از دین نیک مزدا پرستان روی برنتابم، اگر چه تن و جان و روانم از هم بگسلد (دوستخواه، ۱۳۸۴: ۸۶۳). بند هشت در فصل ۱۳ فقره ۱۴ می نویسد: «کیسانیه در

سکستان واقع است». سکستان نیز همان سیستان است، بنا براین مکان ظهور سوشیانت سیستان می باشد، در اسطوره سوشیانت نیز آمده است: سیستان را همین افتخار بس که موعودهای نجات بخش ایران در آینده از آن سرزمین برخوانند خاست و دوشیزگان باکره سیستانی مادران آینده نجات بخشان ایران خواهند بود و در یک کلمه سیستان، سرزمین «موعود و انتظار» است. به همین سبب هنوز هم دختران سیستانی به امید به دست آوردن نطفه مقدس زرتشت از آب دریاچه هامون، در ایام نوروز خود را به زیارت گاه های کوه خدا که امروزه کوه خواجه نامیده می شود رسانده، پس از بجای آوردن مراسم نیایش، در آن تن خود را می شویند تا مگر که در شمار باکره گانی باشند که موعودهای سه گانه ایران را خواهند زائید. سوشیانت آخرین ناجی نیز چونان ناجیان پیشین از تخمه زرتشت و دوشیزه یی هستی می یابد و با پیدایی او پیروزی بر شر کامل خواهد شد (هیلنز، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

در متون زرتشتی از دو مکان دیگر هم یاد شده است:

۱. قلعه ورجمکرد در منطقه پارس در جنوب ایران در دوران هوشیدر و بلایای نازله آن، پناهگاه موجودات و مخلوقات خواهد بود (تفضلی، ۱۳۶۴: ۱۴۱)؛
۲. قلعه گنگ دژ در خراسان، ساخته سیاوش از پهلوانان اساطیری ایران و پناهگاه یاوران سوشیانس.

سیمای یاران سوشیانت آخرین موعود زرتشت

در متون مزد یسنی از دو نوع یار برای موعودهای آخرزمان نام برده شده است. یارانی که در عصر ظهور زندگی می کنند و یاورانی که در زمان های سابق رحلت کرده اند و هنگام ظهور منجی زنده شده او را یاری خواهند کرد. در متون پهلوی، دسته دوم را «جاودانی ها» خوانده و از شماری افراد، یلان و پهلوانان تاریخی در جایگاه یاوران سوشیانس یاد کرده اند (بهار، ۱۳۶۹: ۱۲۸). این جاودانی ها در هزاره سوشیانس پدید آیند و رستاخیز برانگیزانند و جهان جاودانی را بیارایند. به تصریح اوستای نو و متون پهلوی، ابدان گنهکاران و مجرمان همچون منافقان دوباره زنده نخواهد شد، اما پرهیزگاران دوباره به زمین آیند نه به آن چهره که در گذشته بودند و نه از آن آمیزه که پیش ساخته شدند بلکه موجودات مادی از گل روشن و بدون تاریکی، آب بدون زهر، آتش بدون دود و باد

خوشبوی ساخته شده باشند (فضیلت، ۱۳۸۱: ۲۱۴). خصوصیت یاران منجی موعود زرتشت چنین است:

نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند، قول خود را نمی‌شکنند و عفریت خشم از آنان می‌گریزد افزون بر این فرشتگان مقرب الهی هفت امشاسپند نیز در جایگاه یاران سوشیانس مطرح شده اند، منش بد شکست یابد و منش نیک بر آن چیره شود (دوستخواه، ۱۳۸۴: ۵۰۳).

در روایت‌های دینی زرتشتی در هزاره چهارم در زمان هوشیدر یا اوشیدر شهریاری دادگراز نژاد کیان به نام بهرام و معروف به بهرام ورجاوند (بلندپایه و دارای فر) پدیدار می‌شود که گندآوران و دلیران بدو می‌پیوندند و او با نیروهای شربه ستیز برمی‌خیزد و چندان مرد از پای در می‌آورد که در برابر هر هزار زن یک مرد بیش نمی‌ماند. این قهرمان اسطوره‌ای شهریاری است که سوار بر پیل سفید با ظهور از کابل یا هندوستان به یاری ایرانیان می‌شتابد و هم‌اوست که هوشیدر را در دادگستری یاری خواهد کرد (هیلنز، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

شیعه اثنی عشری و موعود

شیعه در لغت به معنایی پیرو، طرفدار و گروهی است که برامری یک سخن شوند و همچنین بر گروه یاران اطلاق می‌شود (حیدری آقایی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۵) ریشه کلمه شیعه، از مشایعت و به معنای مطاوعه و پیروی کردن است. واژه شیعه اگر تنها و بدون آمدن قیدی به دنبال آن به کار رود، بر افرادی اطلاق می‌شود که دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام بوده و به امامت آنان اعتقاد دارند. معنای لغوی این واژه، در دو سوره مبارک قرآن نیز آمده است. یکی در قصه موسی علیه‌السلام و فرعون در سوره قصص «وَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُتَتَلَّانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ...» (قصص: ۱۵) دیگری در سوره صافات که درباره پیروی حضرت ابراهیم علیه‌السلام از حضرت نوح علیه‌السلام می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (صافات: ۸۳). شیعه در اصطلاح به مسلمانانی گفته می‌شود که حضرت علی علیه‌السلام را پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جانشین به حق ایشان می‌دانند. (دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱۴، ۵۷). «شیعه اثنی عشری» یا دوازده امامی، پرجمعیت‌ترین فرقه از فرق شیعه می‌باشند (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۹). آنان معتقد به دوازده امام هستند که با حضرت

علی علیه السلام آغاز می شود و به محمد بن حسن مهدی ختم می گردد (شهرستانی، ۱۸۴۶ م: ۱۸۷). ایشان دلایل فراوانی از آیات قرآن و احادیث نبوی بر امامت علی علیه السلام اقامه نموده و امامت آن حضرت را به نص صریح از طرف خداوند دانسته اند. همچنین معتقدند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند، تمامی امامان دوازده گانه را معرفی کرده است (کلینی، ۱۹۶۱ م: ج ۱، ۵۲۷؛ صدوق، ۱۹۷۵ م: ج ۱، ۲۶۱؛ صدوق، ۱۹۷۰ م: ج ۱، ۶۵؛ طوسی، ۱۳۲۲: ۱۵۰). شیعیان امامان را مانند پیامبر صلی الله علیه و آله، ملهم از جانب خداوند می دانند و می گویند: امام ریاست عامه دارد و مقام او مافوق مقام بشرعادی است و از آن روزی که خداوند آدم را آفرید، نور خود را در برگزیدگان خویش، از حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام گرفته تا به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء، سرایت داد و از وی آن نور را به اوصیای او، ائمه طاهرین علیهم السلام سریان داد و همان نور و روح خدایی است که در امام زمان علیه السلام تجلی می کند و او را از سطح بشرعادی فراتر می برد و وی را قادر می سازد که قرن ها، بلکه هزاران سال بی هیچ گزند و آزار و بدون ضعف و پیری، با بدن جسمانی که در بشرعادی موجب کون و فساد است زندگی کند و در زمان مناسب به امر خداوند از پس پرده غیبت ظهور می فرماید.

سیمای شرایط ظهور امام مهدی علیه السلام

ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی حکومت عدل جهانی با فراهم شدن شرایط و زمینه ها، پدید خواهد آمد. غیبت امام مهدی علیه السلام به دو دوره تقسیم می شود: «غیبت صغری» و «غیبت کبری». غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نائب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال به طول انجامید. در دوره غیبت صغری ارتباط شیعیان با امام به کلی قطع نبود و آنان به گونه ای خاص و محدود، با امام ارتباط داشتند. این دوره را می توان دوره آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست. با درگذشت چهارمین نایب خاص امام دوازدهم، دوران غیبت کبری آغاز گردید. در این دوره، علمای واجد شرائط، از سوی امام زمان نیابت عامه دارند (پیشوایی، ۱۳۸۱: ۶۹۰). شرایط ظهور امام عصر علیه السلام به طور کامل برای ما روشن نیست. بخشی از بنیادی ترین شرایط عبارتند از: ۱. وجود برنامه و طرحی متعالی که بتواند با ساختار درست، عدل واقعی را در جهان برپا سازد و سعادت و کمال آدمیان را به

ارمغان آورد؛ ۲. وجود رهبر و هدایتگری بزرگ و شایسته که از سوی خداوند منصوب شده است؛ ۳. وجود گروهی از انسان‌های پاک دل و فداکار که در اوج تقوا به سر می‌برند و برای دفاع همه جانبه از برنامه‌های امام معصوم آمادگی دارند. امام جواد علیه السلام در این باره فرمود:

«و از اصحابش ۳۱۳ تن به اندازه اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند» و این همان قول خداوند است که فرمود: «...أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۴۸). چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند، خداوند امرش را ظاهر سازد و به اذن خدای تعالی قیام کند (صدوق، ۱۹۷۵م: ج ۲، باب ۳۷، ح ۲).

بی تردید برای پدید آمدن ظهور، باید این شرایط محقق شود. وحی و روایات متواتر و قطعی بر تحقق یافتن شرط‌های اول و دوم گواهی می‌دهد. شرط نخست با بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله محقق شد. شرط دوم نیز با تولد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ ق تحقق یافت. آن چه تاکنون تحقق نیافته، شرط سوم است. برای تحقق این شرط باید تلاش کرد و در جهت تربیت نفوس خویش و دیگران کوشید. البته افزون بر شرط‌های یاد شده، احتمال وجود و پاره‌ای شرایط دیگر نیز قوی می‌نماید. بی تردید همه آن شرایط باید واقع شود تا زمینه ظهور به طور کامل فراهم آید.

سیمای مهدی علیه السلام

پیشوای دوازدهم شیعیان، حضرت ولی عصر حجت ابن الحسن عسکری علیه السلام در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ ق در شهر سرّمن رأی (سامرا) به دنیا آمد. نام و کنیه آن حضرت، با نام و کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی است. روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد که برای موضوع تاکید کرده‌اند. البته نام ایشان را معمولاً با حروف جدا و به شکل «م ح م د» آورده‌اند و علت آنرا نهی امامان از ذکر نام آن حضرت می‌دانند و از این رو، معمولاً از ایشان به لقب یاد می‌کنند. نام مادر آن حضرت بنا بر روایت مشهور نرجس است. نام‌های دیگری نیز برای امام عصر علیه السلام آورده‌اند. مهدی، حجت، قائم، صاحب زمان، و خلف صالح از لقب‌های امام عصر علیه السلام است، اما حضرت به لقب «مهدی» بیشتر شهرت دارد (حیدری آقایی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۳۱۱). امام عصر علیه السلام از معدود انسان‌هایی است که از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است تا آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرموده است: المهدی طاووس اهل الجنة، علیه جلايب النور؛

مهدی طاووس اهل بهشت است که هاله‌ای از نور او را احاطه کرده است (گلپایگانی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). محدثان معتبر از شیعه و اهل سنت بنا بر احادیث بسیاری، شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام را بیان نمودند، مجموعه این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته نخست روایاتی است که شمایل حضرت را پس از ولادت و در ایام کودکی در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام توصیف نموده‌اند. دسته دوم حکایاتی است که ملاقات‌کنندگان با آن حضرت در طول دوران غیبت، شمایل آن حضرت را ذکر کرده‌اند. دسته سوم، احادیثی که به نقل از معصومین علیهم السلام شمایل و ویژگی‌های جسمانی آن حضرت را هنگام ظهور و حکومت ایشان بیان کرده‌اند.

روایات دسته اول

یعقوب منقوش می‌گوید:

خدمت امام یازدهم حسن عسکری علیه السلام وارد شدم درون حیات بر سکویی نشسته بود و سمت راستش اتاقی بود و بر آن پرده‌ای آویخته بود. عرض کردم: ای سرور من! صاحب امر امامت بعد از شما کیست؟ فرمود این پرده را بالا بزن، آن را بالا زدم، یک پسر بچه به قامت پنج وجب، که به نظر می‌آمد هشت الی ده سال داشت، بیرون آمد با پیشانی درخشان و روی سفید و دو چشم براق و دو کتف و دوزانوی برگشته، در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود ابی محمد نشست، پس به من فرمود این صاحب الامر شماست (صدوق، ۱۹۷۵م: ج ۲، ۷۸، ح ۱؛ کلینی، ۱۹۶۱م: ج ۱، ۵۱۴، ح ۲).

روایات دسته دوم

شمایل حضرت در پاره‌ای از حکایت‌های ملاقات نیز ذکر شده است. امام رضا علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

قائم آن است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. نیرومند باشد تا به جایی که اگر دست به بزرگ‌ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه‌ها نعره کشد، سنگ‌های آن از هم بپاشد. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۷۵)

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مردی از فرزندانم، در آخر الزمان ظهور می‌کند، رنگش سفید آمیخته با سرخی و شکمش برآمده است. دورانش ستبر و هردو شانه اش قوی است. در پشتش دو خال است، مانند دو مهر، یکی به رنگ پوست و دیگری چون مهر نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

است (صدوق، ۱۹۷۵م: ج ۲، ۴۸، ح ۷).

در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام آمده است:

او مردی است بلند پیشانی، دارای بینی باریکی که میانش اندک برآمدگی دارد. برآمده شکم، دارای ران‌های درشت و پهن است. خالی بران راست اوست. میان دوندان پیشین او گشاده است. (طوسی، ۱۳۲۲: ۲۱۴).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

مهدی در حالی قیام خواهد نمود که یک تار موی سفید در سرو محاسن او دیده نمی‌شود. (مغربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۸۰)

همین معنی در کلام نورانی امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است که حضرت مهدی در سن و سال کمتر از چهل ظهور خواهد کرد (صدوق، ۱۹۷۵م: ج ۱، ۳۱۵). با توجه به روایات فوق و برخی ملاقات‌های معتبر می‌توان گفت: حضرت شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و هنگام ظهور، بین سی تا چهل ساله به نظر می‌رسد. او جوانی است زیباروی که چهره اش همانند ماه یا ستاره تابان است. رنگ چهره و پوست آن حضرت سفید مایل به سرخ (گندم‌گون) است که کمی به زردی میل دارد. گونه‌های حضرت، کم گوشت است. برگونه راست او خال سیاهی وجود دارد و برپیشانی وی اثر سجده نمایان است. دارای پیشانی بلند و درخشان و بینی کشیده و باریک است. ابروهای بلند و کشیده، رخ او درخشان و چشمانش درشت، براق به رنگ سیاه است. دندان‌های پیشین او از هم فاصله دارد و هیکلش همانند مردان بنی اسرائیل است ولی قامتی متوسط دارد. دارای شانه‌های قوی و بزرگ و سینه فراخ، ساقهایی باریک و دستانی سستبر که بر کف دست راست خالی وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۱: ۵). حضرت مهدی علیه السلام از لحاظ جمال ظاهری دارای اندامی بسیار زیبا و دل‌انگیز است. به قسمتی از آن جمال خجسته اشاره می‌شود: ۱. پیشانی باز و نورانی؛ ۲. بینی کشیده و باریک؛ ۳. صورت مانند ماه تابان؛ ۴. گندم‌گون؛ ۵. صورت مانند دینار گرد و گلگون؛ ۶. دندان مانند شانه ظریف و منظم؛ ۷. محاسن پر مو؛ ۸. خالی جذاب برگونه است؛ ۹. شانه‌های پهن؛ ۱۰. نورانیت خاص؛ ۱۱. چهره‌ای جوان. (دهقان، ۱۳۹۱: ۳۴۸)

سیمای دین در آخر زمان

عوامل فراوانی روز به روز حقیقت تابناک دین را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برند، از این

رو همواره دین رو به کم رنگ شدن، خرافات و انحرافات پیش می رود به صورتی که وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، غبار از چهره دین برمی گیرد. همگی گمان می کنند که این دین جدیدی است که آن حضرت ارائه می فرماید. امیرمؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را این گونه بیان فرموده است:

ایها الناس سیأتی علی امتی زمان لایبقی من الاقرآن الا رسمه ومن السلام الا اسمه، مساجدهم عامره و هی خراب من الهدی (صدوق، ۱۳۹۲: ۲۵۳)؛
برامت من زمانی پیش آید که از قرآن جز نقش آن و از اسلام جز نام آن باقی نماند، مساجدشان آباد است و از هدایت خالی. اگر چه امتحانات خداوند برای زن و مرد یکسان است.

ولی پاره ای از روایات درباره مردان نقل شده است، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:
مردی را می بینی هنگامی که یک روز براو گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است، از قبیل؛ فحشا، کم فروشی، کلاه برداری و یا شرب خمر، بسیار غمگین و اندوهگین می شود. (کلینی، ۱۹۶۱: ۴۰)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصف برخی از زنان آخر زمان چنین می فرماید:

کیف بکم اذا فسد نساء کُم و فسق شبانکم ولم تأمرو بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر قیل له و یکون ذالک یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال نعم و شر من ذلک؛
چگونه می شود حال شما هنگامی که زنان شما فاسد شوند و جوانان تان فاسق و شما نه امر به معروف می کنید و نه نهی از منکر، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته شد: آیا چنین خواهد شد؟ آن حضرت فرمود: بله و بدتر از آن. (تونه ای، ۱۳۹۱: ۲۴)

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

در آخر زمان و نزدیک شدن قیامت، که بدترین زمان ها است، زنانی ظاهر می شوند که برهنه و لخت هستند! زینت های خود را آشکار می سازند، به فتنه ها داخل می شوند و به سوی شهوت ها می گرایند! به سوی لذت ها می شتابند، حرام الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود. (صدوق، ۱۳۹۰: ۳۹۰)

امام علی علیه السلام درباره نجات یافتگان آخر زمان می فرماید:

و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابند؛ مگر مؤمنانی که بی نام و نشان اند و اگر در حضور باشند شناخته نشوند و اگر غایب گردند، کسی سراغ آنان را نمی گیرد. آن ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ها، چراغ های هدایت و نشانه های

روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز. نه در پی اشاعه فحشایند و نه مردمی سفیه و لغوگو. اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سویشان باز می‌کند و سختی‌ها و مشکلات را از آنان برطرف می‌سازد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳)

حضرت صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش فرمود:

هرگاه این گناهان را مشاهده کردی مراقب خویش باش و از خداوند درخواست نجات و رهایی کن: ۱. حق و اهل آن از بین رفتند؛ ۲. ظلم و ستم فراگیر شد؛ ۳. فساد آشکار شده و کسی از آن جلوگیری نکرد؛ ۴. حرام حلال و حلال حرام شمرده شد؛ ۵. قوانین و دستورات دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر گردید؛ ۶. شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید، اما شنیدن باطل سهل و آسان؛ ۷. مردم طرفدار کسی باشند که پیروز است خواه برحق باشد خواه باطل. (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۳۵۹)

سیمای حکومت مهدی علیه السلام در آئینه قرآن

قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر بدون این که وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعنی از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروی کامل و نهایی صالحان در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، به استناد مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور و قیام او دانسته‌اند (حکیمی، ۱۳۶۰: ۱۵۱). جهت رعایت اختصار سه آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛
ما در کتاب زبور پس از تورات نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

در توضیح معنای این آیه یادآوری می‌کنیم که: «ذکر» در اصل به معنای هر چیزی است که مایه تذکر و یادآوری باشد ولی در آیه یاد شده به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام یعنی «تورات» تفسیر گردیده است به قرینه این که قبل از زبور معرفی شده است. طبق تفسیر دیگری، «ذکر» اشاره به قرآن مجید است زیرا در آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (تکوین: ۲۷) بنا بر این، کلمه «من بعد» به معنای «علاوه بر» بوده و معنای آیه چنین خواهد بود: ما، علاوه بر قرآن، در زبور نوشته‌ایم

که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد. مرحوم شیخ مفید در آغاز فصل مربوط به حضرت مهدی (عج)، به این آیه و آیه بعدی که نقل می‌کنیم، استناد کرده است (مفید، ۱۹۷۲: ۳۴۶). در تفسیر این آیه از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که فرمود:

این بندگان صالح همان یاران مهدی (عج) در آخر زمانند (طبرسی، ۱۳۷۹: ۶۶).

مفسر برجسته قرآن، مرحوم «طبرسی» در تفسیر آیه مزبور، پس از نقل حدیث یاد شده می‌گوید:

حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده‌اند، بر این موضوع دلالت دارد: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی صالح از خاندان مرا برانگیزد و او جهان را پراز عدل و داد کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد».

اشاره قرآن به پیشگویی حکومت بندگان شایسته خداوند در روی زمین در کتاب تورات و زبور، نشان می‌دهد که این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در کتب آسمانی پیامبران پیشین یکی پس از دیگری مطرح شده است (پیشوایی، ۱۳۸۱: ۷۱۴). جالب توجه این است که عین این موضوع در کتاب «مزامیر داود» که امروز جزء کتب عهد قدیم (تورات) است و مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود پیامبر است، به تعبیرهای گوناگون به چشم می‌خورد، از جمله در مزمور ۳۷ می‌خوانیم:

... شریان منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد.

همچنین در همان مزمور چنین می‌خوانیم:

... متوکلان [خداوند] وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. (ولیم کلین، ۱۸۵۶: ۱۰۳۰)

۲. «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛

و اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] قرار دهیم.

۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشوایان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که خود برای آنان پسندیده استقرار خواهد بخشید و بیم و ترس آنان را به ایمنی و آرامش مبدل خواهد ساخت [آن چنان که] مرا می پرستند و چیزی را برای من شریک قرار نمی دهند.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می گوید:

از خاندان پیامبر روایت شده است که این آیه در باره مهدی آل محمد علیه السلام نازل شده است. از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت شده است، که آیه فوق را خواند و فرمود: به خدا سوگند آنان شیعیان ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

خداوند این کار را در حق آنان به دست مردی از ما به انجام می رساند و او مهدی این امت است. او همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من (محمد) است، او زمین را از عدل و داد پر می سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۵۲)

نتیجه گیری

تحولات روز افزونی که در زمینه پیشرفت علوم و فنون در قرون اخیر شکل گرفته باعث به وجود آمدن تفکرات فلسفی، سیاسی و اجتماعی شده و باورهای دینی مردم را دچار شک و تردید نموده است. یکی از شبهاتی که در این خصوص مطرح است، این است که سیمای واقعی موعود آخرالزمان چه کسی است؟ از آنجا که دین مبین اسلام کامل ترین دین از ادیان الهی است که دستخوش تحریف نشده است لذا استناد به این منبع لایزال الهی به عنوان مرجع و سرچشمه ای گران بها در این خصوص راهگشا بوده و سیمای موعود واقعی را با ذکر برخی آیات به طور جامع و کلی بیان نموده است. بعد از قرآن کریم احادیث منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یازده امام در خصوص موعود آخر زمان ماهیت و سیمای منجی را واضح بیان و ترسیم نمودند و از آمدن ایشان بدون قید زمان مشخص خبر داده اند. در آیین زرتشت با استناد به متون آن عصر سیمای موعود با اساطیر و افسانه های هزاره گرا در آمیخته است، به گونه ای که می توان ادعا نمود، منجیان زرتشت با

شخصیت‌های افسانه‌ای که هم اکنون نیز می‌توان رد پای آنان را در افسانه‌های محلی جستجو نمود بی‌شبهت نیستند. در برخی از افسانه‌های هزاره گرا دیده می‌شود که مردم بعد از تحمل مشقات و رنج و ظلم و ستم با گذر هزار سال شاهد ظهور یک قهرمان بی‌نام و نشان هستند که با ظهور خود و مبارزه با عوامل فساد از قبیل ازدها و دیوان تنومند و کشتن آن‌ها به ظلم و ستم پایان داده و مردم در کمال آرامش و رفاه و فراوانی نعمت به سر می‌برند. هدف از تطبیق موعودهای آیین زرتشت و مهدی موعود علیه السلام این نیست که کدام آیین از یکدیگر متأثر بوده یا بر آن اثر گذاشته است، بلکه مشترکات و برخی وجوه اختلاف موعودهای این دو مکتب مورد بررسی قرار گرفته است، به گونه‌ای که ارتباط تنگاتنگی بین قهرمانان افسانه‌ها و اساطیر و موعودهای زرتشت با استناد به هزاره‌گرایی در آیین زرتشت مشاهده می‌شود. این در صورتی است که نخستین نشانه‌های مهدی موعود علیه السلام را بایستی در قرآن و سپس احادیث نبوی و در پایان روایات و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام جستجو نمود و سیمای موعود آخر زمان را بایستی در دین اسلام جستجو نمود. بنا بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیما و ظهور سوشیانت در آیین زرتشت غالباً با برپایی قیامت در اسلام تطابق دارد نه با سیما و ظهور مهدی موعود علیه السلام که زمینه ساز و مقدمه برپایی قیامت محسوب می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

دائرة المعارف اسلاميه

- آموزگار؛ ژاله؛ *تاریخ اساطیری ایران*، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات سمت.
- ابراهیم؛ علی رضا؛ (۱۳۸۱)، *مهدویت در اسلام و دین زرتشت*، تهران، انتشارات باز.
- بویس؛ مری؛ *زرتشتیان باورها و آداب دینی آن‌ها* (۱۳۸۱)، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، انتشارات ققنوس.
- بهار؛ مهرداد؛ *بندهش ایرانی* (۱۳۶۹)، تهران، انتشارات توس.
- بهرامیان؛ علی و سید صادق سجادی، *ابومسلم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، بی تا.
- پور داوود؛ ابراهیم؛ *سوشیانس*، (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات فروهر.
- پیشوایی؛ مهدی؛ *سیره پیشوایان* (۱۳۸۱)، با مقدمه جعفر سبحانی، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
- تفضلی؛ احمد؛ *مینوی خرد*، (۱۳۵۴)، پرسش ۱، بند ۹۵، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تونه ای؛ مجتبی؛ *فرهنگ الفبای مهدویت پیرامون حضرت مهدی علیه السلام*، مرکز تحقیقات رایانه ای (۱۳۹۱). www.Ghaemiyeh.com
- جعفری؛ جواد؛ *انتظار موعود*، (۱۳۸۱)، *جمال بار*، شماره ۵.
- دهقان؛ اکبر؛ (۱۳۹۱)، *زندگانی چهارده معصوم*، انتشارات زائرستان مقدس، تهران.
- دوستخواه؛ جلیل؛ *اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان* (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات مروارید.
- حکیمی؛ محمدرضا؛ *خورشید مغرب*، (۱۳۶۰)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری آقای؛ محمود و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۷) *تاریخ تشیع ۱*، زیر نظر دکتر سید احمد رضا خضری، انتشارات سمت، تهران.
- راشد محصل؛ محمد تقی؛ *زند بهمن*، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (۱۳۷۰)، تهران.
- شهرستانی؛ محمد بن عبدالکریم؛ *الملل والنحل* (۱۸۴۶)، لندن.
- صدوق؛ محمد بن علی بن حسین؛ *من لا یحضره الفقیه* (۱۳۹۰)، تهران.

- _____، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، نجف، ۱۹۷۵.
- _____، عیون اخبار الرضا، نجف، بی‌نا، ۱۹۷۰.
- فضیلت، فریدون، دینکرد، کتاب هفتم، (درس‌نامه دین مزدایی)، تهران، فرهنگ دهخدا، ۱۳۸۱.
- گلپایگانی، لطف‌الله، سلسله مباحث امامت و مهدویت، قم، دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی علم‌الدین، تهران، بی‌نا، ۱۹۶۱.
- طبرسی، مجمع‌البیان، تهران، شرکة المعارف الاسلامیة، ۱۳۷۹.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تبریز، ۱۳۲۲.
- مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، شرح‌الأخبار، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- مصطفوی، علی‌اصغر، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخر زمان، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۱.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، نجف، ۱۹۵۱.
- موحدیان عطار، علی و جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان، ۱۳۸۸.
- نجف‌زاده، رضا، موعودگرایی در الهیات سیاسی ایرانیان، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم شماره اول بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- ولیم‌کلین و قسیس‌اکسی، تورات، ترجمه فارسی به دستور جمع مشهور به برتیش فاین بیبل‌تسیتی، لندن، ۱۸۵۶.
- هیلنز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه و تألیف باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- Moazami, Mahnaz (2000) "Millenialism, Eschatology and Messianic figures in Iranian tradition" journal of millennial studies.